

شیشه ها و گلدان های زینتی که حادثه سازند



فرزانه عمادی اقرار دادن شیشه های زینتی، گلدان های گل و اشیایی که به واسطه ورزش بادیاهرگونه بی احتیاطی سقوط کند و موجب خسارت مالی یا جانی به افراد شود، صاحب خانه مسئول پرداخت دیه و جبران خسارت است

● قانون مجازات اسلامی مقرر کرده است: اگر کسی چیزی را در مکانی مانند دیوار یا بالکن ملک خود که قرار دادن اشیا در آن جایز است قرار دهد و در اثر حوادث پیش بینی نشده به معبر عام یا ملک دیگری بیفتد و موجب صدمه یا خسارت شود ضمان منتهی است مگر آنکه آن را طوری گذاشته باشد که مستعد صدمه یا خسارت باشد.

● نکته مهم و حائز اهمیت این است که هر چند قانون گذار جایز بودن و قرار دادن وسایل روی بالکن و هرگونه استفاده شخصی را برای صاحب خانه مجاز دانسته است اما چنانچه حادثه ای اتفاق بیفتد اصل استفاده نادرست از بالکن خواهد بود و عبارت انتهایی ماده قانون مجازات اسلامی که در بالا بیان شد (مگر آنکه آن را طوری گذاشته باشد که نوعا مستعد صدمه یا خسارت باشد)، مورد استناد حادثه دیده و حاکم بر حادثه و مورد اختلاف خواهد بود.

● اصل چهل قانون اساسی در این باره بیان می دارد: هیچ کس نمی تواند اعمال حق خویش را وسیله اضرار به غیر یا تجاوز به منافع عمومی قرار دهد، بنابراین، مالکان از گذاشتن هر نوع شیء در بالکن ها و ایوان های مشرف و مجاور به معابر عمومی منع می شوند و این نوع تصرف از آن قبیل مواردی است که قانون از حقوق مالکانی که در ماده ۳۰ قانون مدنی به آن اشاره کرده، استثناسده است، ماده ۳۰ قانون مدنی می گوید: «هر مالکی نسبت به مایملک خود حق همه گونه تصرف و انتفاع دارد مگر در مواردی که قانون استثناء کرده باشد.»

داستان جنایی

سقوط (قسمت آخر)

ایلیا موسایی مصطفی توقع نداشت پای پلیس هم به این قضیه باز شود که شد. صدای مرد ها را از پشت در می شنید که توی سالن حرف می زدند و کلما تشاوش مثل حباب های توی آب تبدیل به هممه می شد. مصطفی از هراسی که توی دلش ریخته بود افتاده به گشتن. اینکه راه در رویی پیدا کند و هر طور شده خودش را از این گیر مسخره خلاص کند. حالا کمک نفر بند کرده بود به در زدن و مدام صدا می زد «باز کن بینم» و همین تکرار اعصاب خرد کن باعث می شد مصطفی بیشتر دست و پایش را گم کند. سریع پنجره ها را ورسی کرد. نگاه کرد که ببیند از اینجا به پشت بام راهی هست یا نه. بعد به خودش بدو بپیراه گفت که چرا باید تا طبقه سوم بالا بیاید و این طوری خودش را توی ملهکه بیندازد. حتی به ذهنش رسید که همانجا یک ذره موادی که همراهش دارد را دود کند تا انرژی بگیرد و بهتر کارش را انجام دهد. ولی وقت نبود و آن کسی که پشت در بود حالا محکم تر در را می زد و صدایش بلندتر شده بود. پشت سرش صدای زمزمه ماندنی شنیده می شد که معلوم بود همراهانش مدام چیز هایی به او می گویند. و ارسی پنجره ها که تمام شد مصطفی یک پنجره باز هوار چوبی دید که انتهای کلاس بود. فهمید که این کلاس درست در گوشه ساختمان مععی شکل قرار گرفته و درست سر نیش است. خودش را رساند به پنجره و هر چه تقلا کرد نتوانست آن را باز کند. چوب های شیار دار قدیمی حسابی به هم چفت شده بودند و آدم ترسش می گرفت مبادا جایی از پنجره زیر فشار دست ها بشکند و نا کار شود. همین شد که مصطفی شیر برنجی را از جیبش بیرون کشید و تق و تق زد به شیشه. بعد که های مثلثی باقی مانده که هنوز به قاب چوبی بند بودند را با دقت ز تا زخم وزبلی اش نکند. وقتی سرک کشید آن پایین مسیری باریک دید بین ساختمان و دیوار مدرسه که بعد از آن می شد خانه های همسایه ها و بناهای آجر سه سانتی را دید. روی دیوار نرده های بلندی بود بایانک های تیز نیزه مانند که از همانجا صورت مصطفی را نشانه گرفته بودند. مصطفی هر طور حساب کرد دید این بهترین پنجره برای فرا است. چون معلوم بود آن مسیر باریک از همان گوشه های خلوتی است که کمتر کسی سراغشان را می گیرد. توی همین فکر ها بود که ناگهان ایده ای مثل شیراز مغز خشکی ده و سوخته اش عبور کرد. از بین میز هاراه خودش را باز کرد و سر شیلنگ را که هنوز داشت ششش می کرد. گرفت. آن قدر کشید که مطمئن شد کافی است. حالا که از ایده اش مطمئن بود دست انداخت و زهوار چوبی پنجره را چنان محکم کشید که با صدای تلق و تلق و شکستن باز شد. بعد سر شیلنگ را از پنجره بیرون داد و رها کرد. مصطفی لبه پنجره نشست و دودستی چنگ انداخت به شیلنگ. مکت کوتاهی کرد و وقتی دوباره صدای در زدن و هممه پشت در را شنید بدنش را مثل کسی که خودش را روی تشک ولومی کند، رها کرد. دست های سوخته و چغرش محکم شیلنگ نارنجی را چنگ زده بود و پایهایش تروفرز به دیواره سنگی تکیه کرد. مثل یک کوهنورد خودش را آویزان کرده بود. دست هایش آرام و حساب شده شل می شدند و پایهایش سلاسه سلاته وزن بدنش را به پایین هدایت می کرد. هنوز چیزی نشده به پنجره های طبقه دوم رسید. زیر انگشت هایش می توانست جریان آب را که مثل قلقلکی مخملی عبور می کرد حس کند. نگاهی به بالا انداخت و از همینجا توانست شیلنگ را ببیند که زیر وزنش چنان کش آمده که در لبه پنجره کلاس رنگ نارنجی آن به سفید برگشته. اولین چیزی که دید شکافی بود که در ناحیه سفید رنگ شیلنگ پیدا شد. آب تشک زده و سروصورت او را خیس کرد بعد صدای آرامی بود که بندد مصطفی را پاره کرد. پق. حالا شیلنگ پاره شده بود و مصطفی فکر کرد الان است که نيزه های نرده ها توی کمرش فرو بروند. اما یک لحظه خودش را بين زمین و آسمان حس کرد بعد چنان به زمین کوفته شد که حس کرد مغزش از منافذ بینی و گوشش فواره می زند. وسط مسیر باریک افتاده بود و تنها چیزی که می دید دیوار سیمانی بود که کلمه «مادر»، مثل جریانی ضعیف، از رشته های عصبی گسسته چشم هایش عبور کرد و بعد خاموش شد و مصطفی توی تاریکی غوطه خورد. در آن لحظه های آخر فقط نیم جمله ای خواند و تمام. احترام به پدر و مادر...

پایان

شهرآر

شهرآر NEWS.IR
۲۳ شهریور ۱۴۰۱
شماره ۲۱۱۴۴

۱۲

داستان

دادگاه رسیدگی به پرونده شهادت ۲روحانی در حرم مطهر رضوی برگزار شد

متهم: افراد بی گناه را کشتم

دادگاه رسیدگی به اتهامات متهم حادثه حرم مطهر رضوی صبح امروز در دادگاه انقلاب اسلامی مشهد مقدس برگزار شد.
فروردین امسال بود که سه طلبه حاضر در صحن پیامبر اعظم (ص) حرم مطهر رضوی از سوی فردی با ضربات چاقو مورد حمله قرار گرفتند که با تلاش عوامل انتظامات و یگان حفاظت حرم مطهر، ضارب بلافاصله بازداشت شد.

در همان روز حجت الاسلام اصلانی با وجود تلاش های کادر درمان به شهادت رسید و حجت الاسلام پاکدامن و دارایی در بیمارستان بستری شدند که چند روز پس از حادثه حجت الاسلام دارایی نیز به دلیل شدت ضربات وارده از سوی ضارب، به شهادت رسید.

در پی وقوع این حادثه ناگوار، به سرعت پرونده قضایی در این باره تشکیل شد و پس از انجام تحقیقات همه جانبه و در تشریفات قانونی، قرار نهایی و کیفرخواست فرد ضارب از سوی دادسرای عمومی و انقلاب مرکز خراسان صادر شد.

بر همین اساس، جلسه رسیدگی به این پرونده، صبح دیروز به ریاست قاضی سیدهادی منصوری در دادگاه انقلاب اسلامی مشهد، وکلای شکات و متهم و خانواده شهدای حادثه به صورت علنی برگزار شد.

در ابتدای این جلسه، نماینده دادستان مفاد کیفرخواست را خواند و بیان کرد: این فرد به محارب به از طریق کشیدن سلاح (تجرید سلاح) بر روی مردم به قصد اذهاق نفس (کشتن دیگری) و ایجاد رعب و وحشت که موجبات ناامنی در محیط حرم مطهر رضوی را فراهم کرده بود، متهم است.

وی با تشریح نحوه ورود غیر قانونی متهم به کشور و اینکه متهم دارای تفکرات تکفیری بوده است، به تشریح چگونگی آماده شدن متهم برای ارتکاب جرم و نحوه ورود به حرم مطهر و شیوه ارتکاب جرم پرداخت.

در ادامه ویدئویی از نحوه ورود و ارتکاب جرم از سوی متهم در دادگاه به نمایش درآمد.
نماینده دادستان با اشاره به اقراریر متهم بیان کرد: متهم در مراحل مختلف به صحن پیامبر اعظم (ص) حرم مطهر رضوی وارد شد. متهم عبد اللطیف السلفی فرزند محمد طاهر، تبعه افغانستان است.

وی ادامه داد: متهم با سوء نیت و قصد قبلی برای ارتکاب جرم به سه روحانی در حرم مطهر رضوی با یک قبضه چاقو حمله کرده که متعاقب این اقدام وحشیانه یک نفر از روحانیون مجروح و دو نفر دیگر به شهادت رسیدند.

● خواسته خانواده شهدا

در ادامه رئیس دادگاه از حجت الاسلام پاکدامن - روحانی مجروح حادثه حرم مطهر رضوی - خواست تا ضمن قرار گرفتن در جایگاه شکات به بیان مطالب خود بپردازد. حجت الاسلام پاکدامن با بیان مطالب خود از دادگاه خواست تا متهم در چار چوب موازین شرعی و قانونی مجازات شود.

در ادامه رئیس دادگاه از خانواده شهدای این حادثه خواست تا در جایگاه قرار بگیرند و به بیان مطالب خود بپردازند که فرزند شهید اصلانی گفت: ما لحظه ای از پیمودن راه پدرانمان دست بر نخواهیم داشت و تا آخرین لحظه بر حقانیت مکتبمان پای فشاری می کنیم.

همسر شهید دارایی نیز خطاب به متهم گفت: همسر من را به چه جرمی به شهادت رساندی و فرزندان خردسالمان را یتیم کردی؟

همچنین همسر شهید اصلانی با قرار گرفتن در جایگاه، بیان کرد: همسر من آرزوی شهادت داشت و به آرزویش رسید و ما هم آماده شهادت هستیم.

سپس دختر شهید اصلانی با قرار گرفتن در جایگاه گفت: تمام هم و غم این شهیدان عزیز خدمت به محرومان و مردم حاشیه

جانی که رفت و نامی که ماند



به صورت رایگان اهدا و پیوند شد. کیدزنده یاد مریم بهمدی به مدی ۵۲ ساله ساکن مشهد که از نارسایی کبد رنج می برد پیوند شد.
قرنیه های زنده یاد بهمدی، به بانک چشم دانشگاه علوم پزشکی مشهد و قسمتی از پوست به بخش سوختگی بیمارستان امام رضا^(ع) مشهد به منظور پیوند روزانه به بیماران نیازمند ارسال شد.

تجارت کثیف از راه سرقت و مال خری



تشرک می کنم. موکل من اتهام خود را قبول دارد اما نادام است.

بعد از آن رئیس دادگاه از نماینده دادستان خواست تا مطالب خود را قبل از اخذ آخرین دفاع متهم بیان کند.

نماینده دادستان نیز بیان کرد: متهم با اقدام خود در یک محیط امن، باعث ایجاد ناامنی و ترس و وحشت مردم شده است و تقاضای اشد مجازات را برای نامبرده دارم. قاضی منصوری مجددا از متهم خواست تا به آخرین دفاعیات از خود بپردازد.

متهم، ضمن اقرار مجدد به اقدام خود، گفت: در یکی از کشورهای همسایه استنادانی داشتم و تحت تأثیر تعلیمات آن ها قرار داشتم. اتهامم را قبول دارم، من این کار را انجام دادم. اعمال من خلاف اسلام و سیره صحابه بوده است و اقرار می کنم اشتباه کرده ام.

پس از پایان دفاعیات متهم، رئیس دادگاه ضمن اعلام ختم جلسه دادگاه، بیان کرد: رأی دادگاه در زمان مقرر اعلام خواهد شد.

کشف ۱۵میلیارد تومان کولرگازی قاچاق



کارشناس مسئول بازرسی ونظارت سازمان صمت خراسان رضوی از کشف بیش از ۱۸۰۰ دستگاه کولرگازی قاچاق در حاشیه شهر مشهد خبر داد.
به گفته بخش علی بیاتی قله زو، در پی دریافت اطلاعاتی مبنی بر فروش برخی کولرهای گازی بدون شناسه و کد رهگیری در بازار مشهد با همکاری سربازان گمنام امام زمان^(ع) رسیدگی به موضوع در دستور کار قرار گرفت.

وی با بیان اینکه تیم بازرسی این سازمان پس از بررسی میدانی موضوع و انجام هماهنگی های لازم، در بازرسی از محل، بیش از ۱۸۰۰ دستگاه پنل و کمپرسور کولر گازی را کشف کردند، افزود: طبق اعلام کارشناسان، ارزش ریالی کالاهای کشف شده بیش از ۱۵ میلیارد تومان است.

کارشناس مسئول بازرسی سازمان صمت خراسان رضوی بیان کرد: اموال کشف شده در اختیار اداره

۳ مجرم سریالی و تحت تعقیب در عملیات پلیسی مشهد شناسایی و دستگیر شدند

میدانی محل پرداختند و با استفاده از تصاویر ضبط شده در زمان ارتکاب جرم موفق به شناسایی هویت سارق شدند.
بابه دست آمدن این سرنخ، مجریان قانون وارد عمل شدند و با استفاده از منابع خبری و اشراف اطلاعاتی رد سارق را در یکی از خیابان های اطراف زدند.

به گفته فرمانده انتظامی مشهد، مأموران کلانتری چهل و سوم مشهد بلافاصله خود را به محل رسانده و در اقدامی غافل گیرانه این فرد را دستگیر کردند.

سرهنگ حسین دهقانپور افزود: با دستگیری این مرد جوان، مخفیگاه وی نیز در همان حوالی شناسایی شد و مأموران کلانتری معراج باهماهنگی و اخذ مجوز قضایی این مکان را مورد بازرسی قرار دادند.

این مقام ارشد انتظامی مشهد ادامه داد: در بازرسی از محل ۱۶ دستگاه کارت خوان سرقتی کشف و ضبط شد. متهم نیز که ابتدا حاضر به همکاری با پلیس نبود پس از کشف کارت خوان های سرقتی از داخل مخفیگاهش به حرف آمد و به سرقت ۲۰ دستگاه کارت خوان اعتراف کرد. این فرد تا کنون چهار دستگاه کارت خوان سرقتی را به فردی مال خر فروخته است.

سرهنگ دهقانپور بیان کرد: متهم این پرونده برای ادامه تحقیقات به دادسرا منتقل شد و پیگیری های پلیسی برای شناسایی و دستگیری مال خر پرونده نیز ادامه دارد. متهمان پرونده مال خری در مناطق سیدی و سپاد مشهد نیز با کشف ۲۳ فقره جرم از سوی این افراد برای سیر مراحل قانونی در اختیار دادسرا قرار گرفتند.

دادسرا قرار گرفتند.

ضابطان قضایی همچنین در ادامه این عملیات ۱۵ عدد

● سرقت کنتور آب سرقتی را نیز کشف و ضبط کردند

دومین عملیات از سوی مأموران دایره تجسس کلانتری معراج مشهد انجام شد. مأموران این کلانتری در پی دریافت گزارش یکی از شهروندان در جریان سرقت تعدادی دستگاه کارت خوان از یک انبار در بولوار توس قرار گرفتند.

مأموران به محض حضور در صحنه سرقت به بررسی

هر دو متهم را در مقابل مخفیگاهشان، قبل از اینکه

موفق به فرار شوند، زمین گیر کرد. دومرد جوان ابتدا حاضر به همکاری با قانون نبودند اما پس از روبروایی با مستندات پرونده یکی پس از دیگری به حرف آمدند. مأموران کلانتری های سیدی و سپاد مشهد در بازرسی از مخفیگاه این افراد در مجموع ۱۰ دستگاه گوشی تلفن همراه سرقتی، به همراه تعداد زیادی لوازم خودرو شامل، ضبط و پخش، باند، آچار آلات، لاستیک و... را کشف و توقیف کردند.